



در روایت آمده است حضرت اباعبدالله الحسین «سلام الله علیه» در روز عاشورا و موقعی که همه اصحاب و یاران به شهادت رسیده بوده‌اند، یعنی در آن موقعیت حساس، که لازم است مهم‌ترین و حساس‌ترین مطالب بیان شود، آخرین وصیت خود به فرزند برومندشان که در حقیقت آخرین وصیت ایشان به شیعیان و بلکه بشریت است را چنین بیان می‌فرمایند:

« يَا بَنِي إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ »

ای فرزندانم، پرهیز از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری کننده‌ای به جز خداوند ندارد [الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱]

این تصویر متعلق به دختری که در سوریه بوده که توسط گروه‌های تروریستی تکفیری به زنجیر کشیده شده است؛ سر پدر و مادر این دخترچه در جلوی چشمان وی بریده می‌شود.

انسان باید از ظلم به دیگران؛ خصوصاً به کسانی که یآوری جز خدا ندارند پرهیز کند (مانند بسیاری از افراد که اگر حقتشان خورده شود؛ کاری از دستشان بر نمی‌آید،

مثل همسر، شاگرد، بچه یتیم، انسان فقیر و ...) و خدا نکند این افراد نفرین کنند و یا این ظلم را در دل بریزند

داستانک:

حضرت آیت الله فاطمی نیا نقل می‌کنند: روزی حضرت آیت الله شاه آبادی مشغول پایین رفتن به سمت حمام بودند و سرهنگی طاغوتی نیز می‌خواست برود بالا. چون آیت الله شاه آبادی

پیر مرد بودند و با احتیاط پایین می‌آمدند راه بند آمده بود و سرهنگ باید منتظر می‌ماند ایشان پایین بیایند و او برود بالا.

سرهنگ پس از کمی معطلی عصبانی شد و با بی ادبی، ناسزایی به ایشان داد و نیز گفت: مردک، مگر نمی‌بینی ما منتظریم؟

حضرت آیت الله شاه آبادی هیچ نفرومودند و سر را به زیر انداختند و پایین آمدند. وقتی پای آن سرهنگ به بالا رسید خبر آوردند که آن سرهنگ مُرد!

حضرت آیت الله شاه آبادی شروع کردند به گریه کردن. از ایشان پرسیدند چرا گریه می‌کنید؟ فرمودند: "ای کاش جوابش را می‌دادم، اگر یک کلمه جوابش را می‌دادم نمی‌مُرد!"

[نکته ها از گفته ها ؛ دفتر اول؛ صفحه ۶۶]